

Original Paper

Examining persuasive parables in the Masnavi of Taghdis Mulla Ahmad Naraghi

Roghayeh Noormohammadi¹, Youssef Siahpour²

Abstract

There are poets who, in addition to using allegory and its known types, use another type of allegory called persuasive allegory to convince and satisfy the audience about what they say. More familiarity with persuasive allegory as a method to develop meanings created the necessity that the present study is written with the aim of examining persuasive allegory in the Masnavi of Taghdis Mullah Ahmad Naraghi. In this type of allegory, which is very short and limited to a few verses, the poet often tells a clear and obvious example in the middle of his stories in order to please his audience. This type of allegory is more considered as a subset of reasoning and one of the ways of developing meanings. Since no research has been written in this regard so far and it is a completely new work, the author sought to carry out the present research with a descriptive-analytical method and like other research works in the field of humanities in a library form and using tools such as vouchers and sampling. Use authentic books and articles. In this research, evidences and examples of persuasive parables in Masnavi Taghdis were extracted and analyzed. For this purpose, the parable of persuasion was first introduced and explained, then the examples in Taghdis' Masnavi were analyzed. At the end, conclusions are drawn from the proposed topics.

Key words: allegory, image, contemporary poetry, illustration, Nader Naderpour.

1- Ph.D. in Persian language and literature, secretary of Persian language and literature, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad. Dishmouk.Dr.noormohamadiroghayeh@gmail.com

1 Master's degree in ancient culture and languages, expert in providing resources for the public libraries of the province, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad, Yasouj. yousefsiahpour@yahoo

Please cite this article as (APA):

Noormohammadi, Roghayeh, Siahpour, Youssef. (2024). Examining persuasive parables in the Masnavi of Taghdis Mulla Ahmad Naraghi. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(61), 27-47.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 61/ Autumn 2024

Receive Date: 14-07-2024

Accept Date: 16-09-2024

First Publish Date: 30-09-2024

مقاله پژوهشی: بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس

ملا احمد نراقی

رقیه نورمحمدی^{۱*}، یوسف سیاهپور^۲

چکیده

شاعرائی وجود دارند که علاوه بر بکارگیری تمثیل و انواع شناخته‌شده‌ی آن، از گونه‌ی دیگر تمثیل با عنوان تمثیل اقناعی استفاده می‌کنند تا مخاطب را نسبت به حرفی که می‌زنند اقناع و راضی کنند. آشنایی بیشتر با تمثیل اقناعی به عنوان روشی جهت پرورش معانی، این ضرورت را ایجاد کرد که پژوهش حاضر با هدف بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی به نگارش در آید. در این نوع تمثیل که بسیار کوتاه و در حد چند بیت می‌باشد اغلب شاعر در پی خرسند نمودن مخاطبانش، مثالی روشن و آشکار و گاهی در میانه‌ی حکایت و داستان‌های خود بیان می‌کند. این نوع تمثیل بیشتر به عنوان زیر مجموعه‌ی استدلال و از راه‌های پرورش معانی محسوب می‌شود. از آنجایی که تاکنون پژوهشی در این خصوص به نگارش درنیامده و کاری کاملاً نو است نگارنده در پی آن شد تا پژوهش حاضر را با روش توصیفی-تحلیلی و همچون دیگر کارهای پژوهشی رشته علوم انسانی به صورت کتابخانه‌ای انجام دهد و از ابزارهایی همچون فیش و نمونه‌برداری از کتب و مقالات معتبر استفاده کند. در این پژوهش، شواهد و مصادیقی از تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس استخراج و تحلیل و بررسی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داده که نراقی با هدف راضی کردن مخاطبان، تمثیل‌های اقناعی خود را که از عناصر سازنده‌ای همچون پدیده‌های طبیعت، کارهای روزمره، حیوانات و ... که همگی محسوس و ملموس هستند بکار برده است.

واژگان کلیدی: تمثیل اقناعی، مثنوی طاق‌دیس، ملا احمد نراقی.

۱- دکتری زبان و ادبیات فارسی، دبیر زبان و ادبیات فارسی، کهگیلویه و بویراحمد. دیشموک.

Dr.noormohamadiroghayeh@gmail.com

۱- کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستان، کارشناس تأمین منابع کتابخانه‌های عمومی استان، کهگیلویه و بویراحمد، پاسوج.

yousefsiahpour@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: نورمحمدی، رقیه، سیاهپور، یوسف. (۱۴۰۳). بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی. *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. ۱۶(۶۱)، ۲۷-۴۷.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و یکم / پاییز ۱۴۰۳ / از صفحه ۴۷-۲۷.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

مقدمه

تمثیل یکی از شیوه‌های بیانی مهم در طول تاریخ ادب فارسی و یکی از راه‌هایی که اغلب شاعران و نویسندگان جهت روشن‌سازی مطالب خود از آن استفاده می‌کنند به حساب می‌آید. اقناع و راضی نمودن مخاطب، از نکات مهم و قابل توجه گوینده به شمار می‌آید و برای اینکه حکمی یا ادعایی به اثبات برسد، باید دلایل لازم و کافی آورده شود. به همین دلیل بعضی از شاعران یا نویسندگان در رابطه به سخنی که بیان می‌کنند از تمثیل‌هایی کوتاه و قابل درک استفاده کرده و با این روش به خوبی مخاطبان خود را قانع و خرسند نگه می‌دارند تا سخنشان را بپذیرند. این نوع تمثیل زیرمجموعه‌ی استدلال است زیرا در استدلال همیشه بنابر اثبات حکم نیست. و اقناع مخاطب نیز در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که مثالی آورده می‌شود تا دیگران قانع شوند به آن تمثیل اقناعی گویند. ملا احمد نراقی از جمله شاعرانی است که در کتاب مثنوی طاق‌دیس عرفانی خود که به روش و شیوه‌ی مثنوی مولوی سروده شده جهت بیان اغراض خود به مخاطب و قانع نمودن آنها از تمثیل اقناعی استفاده کرده است. نراقی این‌گونه از تمثیل را در وهله‌ی نخست جهت اقناع مخاطبانش بکار گرفته است و در کنار این هدف، به پرورش معانی اشعارش با استفاده از این تمثیل‌ها پرداخته است. عناصر سازنده‌ی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس از نوع پدیده‌های طبیعت، کارهای روزمره و مشاغل، حیوانات و حشرات، تلمیحات و... می‌باشد که شاعر بیشتر از عنصر پدیده‌های طبیعت بهره برده است. و عنصر سازنده‌ی تلمیحات را بسیار اندک به کار برده است. هرچند تمثیل عنصری شناخته شده در کتب ادبی به حساب می‌آید اما جهت آشنایی بیشتر خوانندگان با تمثیل اقناعی، نگارنده در این نگارش قصد دارد با روش توصیفی، تحلیلی به بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی بپردازد و ضمن بیان تمثیل‌ها، عناصر سازنده‌ی تمثیل‌های اقناعی و میزان محسوس و ملموس بودن آنها را تحلیل و تبیین کند.

بیان مسأله

در این پژوهش در پی اثبات و آشکار کردن وجوه خاصی از تمثیل با عنوان تمثیل اقناعی هستیم. این نوع تمثیل، نوعی بیان از زیرمجموعه‌ی استدلال است زیرا «مقصود اصلی از استدلال گاهی فقط اثبات حکم نیست، اقناع مخاطب هم هست. در اقناع خطابی، مسأله علاوه بر جنبه عقلانی، جنبه‌های عاطفی، اخلاقی، دینی و علمی نیز پیدا می‌کند. بنابراین، باید با توجه به زمینه‌های ذکر شده شیوه‌ی مناسبی برای قانع کردن مخاطب به کار برد.» (اسداللهی، علی محمدی، ۱۳۹۱: ۷۳)

برای روشن شدن معنی و مفهوم تمثیل اقناعی، به تعریف لغوی تمثیل و سپس اقناع می‌پردازیم. تمثیل در لغت به معنی «مثله به؛ شبیه؛ و مثله به» (زمخشری، ۱۹۸۲: ۴۲۰) و در لغت فارسی هم به معنای «قصه، عبرت و اندرز آمده است.» (معین، ۱۳۷۹: ۳۸۵۷) و در ادبیات به معنی داستان یا داستانی که جهت توضیح و توجیه امری معقول و دشوار بیان می‌شود. اقناع در فارسی به معنی قانع‌ساختن، خرسند و راضی کردن کسی آمده است. (همان: ۶۵۷:). پس با توجه به این تعریف‌ها می‌توان تمثیل اقناعی را مثال و داستانی جهت راضی و قانع کردن مخاطب دانست. این نوع از تمثیل، به تمثیل‌هایی گفته می‌شود که مستقیماً به‌جای استدلال و دلیل می‌آیند و بسیار فشرده و کوتاه هستند.

پرسش‌های پژوهش

هنگامی که مثنوی طاق‌دیس مورد مطالعه بنده قرار گرفت و تصمیم بر آن داشتم تا پژوهشی با عنوان تمثیل اقناعی نگارش درآورم پرسش‌های زیر در ذهنم ایجاد شد:

تمثیل‌های اقناعی تا چه میزان در مثنوی طاق‌دیس به کار گرفته شده است؟

تمثیل اقناعی چیست؟

عناصر سازنده تمثیل‌های اقناعی کدامند؟

آیا شواهد تمثیل اقناعی در مثنوی طاق‌دیس برای مخاطب محسوس و ملموس است؟

هدف پژوهش

بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی.

بررسی و تبیین علت کاربرد تمثیل اقناعی در مثنوی طاق‌دیس.

بررسی و تبیین میزان محسوس و ملموس بودن تمثیل‌های اقناعی برای مخاطب.

بررسی و تبیین عناصر سازنده تمثیل‌های اقناعی.

ضرورت پژوهش

این کار تازه و انجام آن به سبب تکراری نبودن و آشنایی بیشتر با تمثیل اقناعی که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین آشنایی با ویژگی‌های سبکی و نگارشی دوره‌ی بازگشت ادبی این ضرورت را ایجاد کرد که این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا هرچه بیشتر با این روش از تمثیل آشنا شویم.

پیشینه پژوهش

در رابطه با مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی مقاله و پایان‌نامه‌هایی به نگارش درآمده اما تاکنون مقاله، پایان‌نامه و یا کتابی در خصوص بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی به رشته تحریر در نیامده است. در این بخش به پاره‌ای از مهم‌ترین نوشتارهایی که در رابطه با مثنوی طاق‌دیس به چاپ رسیده است اشاره خواهیم کرد.

- امامی، بهناز، (۱۴۰۱)، **نفس در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی**، دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ.

- خوش‌نیت، مرتضی؛ جنالی، شهروز، (۱۴۰۱)، مقایسه‌ی مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی با مثنوی مولوی از منظر فرم و محتوا. دوفصلنامه عرفان پژوهی در ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی.

- ایلی خمس، موسی (۱۳۹۸)، «بررسی نمادها و تمثیل‌ها در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی»، دانشگاه پیام نور ورامین.

- آخوندی، ربابه، (۱۳۸۹)، «فرهنگ تلمیحات، اشارات و ضرب‌المثل در مثنوی طاق‌دیس»، دانشگاه پیام‌نور تهران

- شوشتری، منا، (۱۳۸۸)، **نقد و بررسی آثار منظوم ملا احمد نراقی**، دانشگاه پیام نور تهران.

روش و شیوه گردآوری

نوع تحقیق در این پژوهش مانند برخی از پژوهش‌های معمول در رشته‌های علوم انسانی کتابخانه‌ای و اسنادی است و به شیوه‌ی تحلیلی- توصیفی انجام خواهد پذیرفت؛ به این صورت که در ابتدا شواهد لازم از متن کتاب مزبور با یادداشت‌برداری علمی استخراج و سپس داده‌ها طبقه‌بندی و تحلیل خواهد شد.

نقد و بررسی

خلاصه‌ای از زندگینامه‌ی نراقی

ملا احمد نراقی فرزند حاج ملا محمد مهدی نراقی در سال ۱۱۸۵ هجری قمری مطابق با ۱۱۵۰ شمسی در نراق متولد شد. «علامه محقق، مهدی نراقی را "نراقی اول" و فرزند او ملا احمد فاضل نراقی را "نراقی ثانی" می‌نامند، و از هر دو با عنوان نراقیان یاد می‌شود.» (حسین‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۳)

از فحول علمای دین و اکابر مجتهدین شیعه می‌باشد، که در علم فقه، اصول، حدیث، رجال، نجوم، ریاضی، معقول و منقول، ادبیات و شعر تبحر داشته و علاوه بر علوم متداول عقلی و نقلی دربسیاری از علوم دیگر مهارت بسزا داشته است.» (ترکچی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

«علامه طباطبائی و مقام معظم رهبری معتقدند که بزرگی نراقیان آن‌چنان که شایسته‌ی آنان است، شناخته نشده است.» (مزینانی، ۱۳۸۱: ۲۹)

نراقی از فقه‌های شیعه‌ای است که در سایر فنون و مراتب ذوق و عرفان بهره داشته است.» (معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۵۲: ۱۲۳۵) نراقی علاوه بر فقه و اصول، علوم‌ی مانند اخلاق و حدیث، رجال، ریاضیات و نجوم و حکمت و فلسفه را نیز می‌دانست.

دین و مذهب شاعر

ملا احمد نراقی فردی زاهد، متقی و در اوصاف حمیده و اخلاق فاضله زیانزد عام و خاص بوده و در فخر و فضل او همین بس که استاد خاتم الفقها مرحوم شیخ مرتضی انصاری بوده است.

«خانواده محمد مهدی از نظر مذهبی متوسط و غیرروحانی به شمار می‌رفتند، در نتیجه محمد مهدی برای تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی کاشان رفت و جزو عالمان بزرگ گردید. وی پیش از آن‌که خود را فیلسوف و فقیه و ریاضی‌دان بداند، روضه‌خوان اهل بیت می‌دانست و کتاب محرق‌القلوب خود را در این باره نوشت.» (اباذری، ۱۳۸۰: ۶۳)

آثار نراقی

ملا احمد نراقی در دوران زندگی پربهایش، آثار متعدد و زیادی همچون کتاب و رساله به نگارش درآورده است که «به‌طور کلی ۳۰ اثر به او نسبت داده‌اند.» (مزینانی، ۱۳۸۱: ۳۰) و بیشتر این تألیفات در خصوص فقه و اصول و برخی هم مربوط به ادبیات و ریاضیات و اخلاق است.

در این جا به پاره‌ای از مهم‌ترین این آثار که به نظم سروده شده است اشاره خواهیم کرد :

(۱) **عین‌الاصول**: اولین تألیف اوست.

(۲) **دیوان صفایی**: مجموعه اشعار اوست.

(۳) **مثنوی طاق‌دیس**: کتابی است به سبک و شیوه‌ی مولوی و دارای اشعار عرفانی است.

(۴) **رضاقلی خان هدایت مثنوی** به نام چهارصفر را به او نسبت داده است. (هدایت، ۱۳۸۲: ۲۶۷)

معرفی مثنوی طاقدیس

دیوان مثنویات او که با نام طاقدیس، مشهور و بارها در ایران به چاپ رسیده است، کتابی به سبک و روش مثنوی مولوی و در دوره‌ی بازگشت ادبی سروده شده است. این کتاب ۵۶ داستان دارد که از این میان ۵۱ داستان به طور مشابه در کتاب مثنوی معنوی آمده است. به جز تعداد اندکی از قهرمانان داستان‌ها که شخصیت آنها حیوانات هستند مابقی آنها انسان می‌باشند.

«این مثنوی طولانی، اخلاقی و عرفانی است که ناظم گرانقدر آن در نظر داشت که آن را در چهار بخش که هر بخش را صَفَه (ایوان، شاه‌نشین) نامیده است به اتمام برساند اما تنها دو صَفَه را که در حدود ده هزار و پانصد بیت است به انجام رساند. این مثنوی شریف با "طوطی‌نامه" آغاز شده است.

به طور کلی این کتاب « منظومه گهرباری است شامل مواعظ عارفانه و روحانی، مشحون از پند و اندرزهای حکیمانه و اخلاقی، آمیخته به لطایف و ظرایف ادبی که با زبان شعر و ادب آراسته گشته تا بسیاری از احکام و اوامر الهی و فصولی از مبانی اصول و فروع دین مبین اسلام را با بیانی ساده، قابل فهم و درک خاص و عام آشکار سازد. محتویات آن به وسیله‌ی بیانی رسا و شیرین و آهنگی جاذب و دلنشین، راه و رسم نیک‌بختی بشر را در صحنه‌های گیتی تا وصول به سعادت جاودانی نشان می‌دهد.» (نراقی، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

بررسی تمثیل اقناعی در مثنوی طاقدیس ملا احمد نراقی

نراقی تمثیل اقناعی در مثنوی طاقدیس را جهت بیان موضوعات مختلف بکار گرفته است که در این قسمت موضوعات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

عشق دوطرفه (کشش معشوق)

شاعر در ابیات زیر که از داستان طوطی و پادشاه انتخاب شده، کهربا را تمثیلی از عاشق و کاه را تمثیل از معشوق دانسته که با وجودی که کهربا عاشق است اما کاه معشوق به سمت او می‌رود. او با این تصویرسازی مخاطب را راضی می‌کند که بپذیرد عشق دوطرفه است و در رابطه‌ی عاشقی، عاشق و معشوق واقعی هر دو شور و شوق دارند:

کهربا عاشق بود لیک ای عمو کاه را بنگر که آید سوی او
هر که شد معشوق عاشق نیز هست در دل او عشق شورانگیز هست
(نراقی، ۱۳۶۲: ۲۸)

عدم ورود شیطان به دل با یاد خداوند

در ابیات زیر عسس، دورباش، شیر و پرتو خورشید تمثیلی از یاد خداوند و دزد، خفاش و دیو و دد نیز تمثیل‌هایی از شیطان و خانه، شهر، جهان و راه تمثیل‌هایی از دل انسان هستند و همانگونه که دزد نمی‌تواند وارد راهی شود که در آنجا نگهبان وجود دارد و خفاش با دیدن نور در جهان پنهان می‌شود و دیو و دد از مسیری که شیری در آنجا وجود دارد گذر نمی‌کنند؛ شیطان نیز در دلی که یاد خداوند وجود دارد هیچ‌گاه نمی‌تواند عبور کند

خانه‌ای کانجا عسس را مسکن است کی در آنجا دزد راه رهنست

دورباش شه به شهری چون رسید دزد از آنجا رخت خود بیرون کشید

پرتو خور چونکه افتد در جهان می‌شود خفاش در کنجی نهان

در رهی کانجا پی شیری بود نگذرد دیگر از آنجا دیو و دد

(همان: ۴۶)

نراقی جهت اقناع مخاطبانش تمثیل‌های محسوس و قابل درک ابیات بالا را با عنصر سازنده‌ی مشاغل و کارهای روزمره ذکر می‌کند تا به مخاطب بگوید اگر یاد خداوند در دلی باشد هیچ‌گاه شیطان به آن ورود پیدا نمی‌کند.

نور حق محو کننده‌ی نورهای دیگر

در بیت زیر شاعر خورشید را تمثیلی از نور حق و خاور را تمثیل از نورهای غیر حق، که با وجود نور حق دیگر نورها ناپدید می‌شوند. این تمثیل را به دلیل آنکه به مخاطبش بگوید علت برتری جان بر جسم به این دلیل است که نور حق بر جان و دل تابیده است و با وجود نور حق، دیگر نورها در پیش نظر او هیچ هستند بکار گرفته است تا قانع‌سازی کند.

آری از مشرق چو خور سر برزند بارگه بر عرصه خاور زند

خاصه خورشیدی که صد چون آفتاب پیش آن یک ذره ناید در حساب

(همان: ۴۹)

شاعر تمثیل ابیات بالا را با عنصر پدیده‌های طبیعت، ایجاد کرده که با اینکار به پرورش معانی اشعارش نیز پرداخته است.

در این بیت قطره تمثیل از هر نوری به جز نور حق و دریا تمثیلی از نور حق است و تا زمانی که نور حق نمایان نباشد آن نورها قابل مشاهده است اما به محض پیدایش نور حق آن نورها ناپدید می‌شود: قطره را بینی اگر تنها بود چون به بحر افتاد کی پیدا بود

(همان: ۲۷۱)

در بیت بالا شاعر بر این عقیده و باور است که قطره تا تنها است قابل مشاهده است اما به محض ورود به دریا دیگر قابل مشاهده و شناسایی نیست و این تمثیل جهت اقناع مخاطب با عنصر پدیده‌های طبیعت بیان شده که اگر زحل در روز دیده نمی‌شود به خاطر وجود نور حق است و گرنه همانگونه که در شب حضور دارد در روز هم حضور دارد.

دوری از وطن

در بیت زیر شاعر بر این باور و عقیده است که اگر انسان از وطن اصلی خود دور شود دچار مشکلات می‌شود. بنابراین تمثیل زیبا و محسوس زیر را به تصویر کشیده است و ماهی را استعاره از انسان و عمان را استعاره از وطن اصلی تلقی کرده است که به محض جدانشدن از جایگاه اصلی خود، دچار مشکلات می‌گردد.

تا جدا آن ماهی از عمان نشد در میان تابها بریان نشد

(همان: ۸۸)

در بیتی دیگر شاخه را تمثیل از انسان و درخت را تمثیلی از وطن اصلی دانسته است که به محض جدا شدن از جایگاه اصلی خودش با ظلم و ستم و مشکلات همراه می‌شود: چون جدا گردید آن شاخ از درخت از جفای تیشه‌ها شد لخت لخت

(همان)

و در بیتی دیگر باز همین مسأله را با بیان تمثیلی دیگر به نمایش می‌گذارد و این‌بار گل را تمثیل از انسان و گلبن را تمثیلی از وطن اصلی تلقی کرده است تا کاملاً مخاطبش قانع گردد که سخن او درست است.

گل چه با گلبن ندارد اتصال در میان جاده‌ها شد پایمال

(همان)

در تمثیل‌های محسوس و ملموس ابیات بالا، عناصر سازنده‌ی تمثیل‌ها همگی پدیده‌های طبیعت هستند.

بازگشت و کشش جزو به کل

در ابیات زیر شاعر با استفاده از به‌کارگیری شراره و قطره به عنوان تمثیلی از جزو و بخش هر چیزی و آتش و دریا که تمثیلی از کل به حساب می‌آیند به خوبی به مخاطب خاطر نشان می‌کند که هر جزوی به سوی کل خود کشش دارد و برمی‌گردد. شاعر این تمثیل‌های عینی و محسوس را که عناصر سازنده‌اش پدیده‌های طبیعت هستند جهت پرورش معانی و اقناع خواننده به تصویر می‌کشد:

هر شراره بین گریزان تا اثر قطره‌ها بنگر به دریاها قطیر

(همان: ۸۹)

ضعیف بودن درک انسان از حقیقت بیکران حق

در بیت زیر شاعر دریا را تمثیلی از حقیقت بیکران خداوند و قطره را تمثیلی از ضعیفی و ناچیزی درک انسان از دریافت حقیقت دانسته است و مخاطب را با این تمثیل قانع می‌سازد که درک انسان در برابر دریافت حقیقت بسیار ناچیز است و نمی‌تواند آن را درک کند:

بحر بی‌پایان کجا و قطره‌ای نیر اعظم کجا و ذره‌ای

(همان: ۱۰۳)

چنانچه در تمثیل بیت بالا مشاهده می‌شود شاعر عناصر سازنده‌ی تمثیلش را از پدیده‌های طبیعت برگزیده است.

عدم تحمل امتحان الهی

نراقی در بیت زیر از تمثیلی زیبا بهره برده و پشه را تمثیلی از وجود نحیف و بی‌ارزش انسان و فیل را به عنوان تمثیلی از بارگران امتحان الهی دانسته تا نشان دهد که انسان توانایی تحمل امتحان الهی را ندارد و امتحان الهی که همچون بار فیزیکی است را نمی‌تواند تحمل کند:

ای پناه بی‌پناهان جهان می‌گریزم در پناهت ز امتحان
من کجا و امتحانت ای خلیل پشه‌ی لاغر کجا و بار پیل

(همان: ۱۰۶)

در تمثیل بالا همانطور که مشاهده می‌کنیم عنصر سازنده‌ی تمثیل از نوع حیوانات و حشرات می‌باشد.

بازدهی انسان‌ها از درک قرآن

نراقی در ابیاتی ذکر می‌کند که انسان‌ها از درک قرآن بازدهی متفاوتی دارند و بعضی مستعد بازدهی خوب و بعضی دیگر بالعکس. سپس در بیت زیر قرآن را همچون خورشیدی دانسته و چمن را تمثیلی از انسان‌های مستعد برای خوبی و با فهم نیکو می‌داند که از قرآن که همانند خورشید است به اندازه‌ی فهم و شرایط درکشان، نتیجه می‌دهند.

چونکه تابد مهر روشن بر چمن زان بروید یاسمین و نسترن

(همان: ۱۱۰)

و در بیت زیر گلبن را تمثیلی از انسان‌های دارای استعداد بازدهی مثبت و انعکاس خوب از برداشت قرآن دانسته که اگر خورشید قرآن بر آنها خوانده شود بازدهی زیبا، خوب و مثبت از قرآن به نمایش می‌گذارند:

چون به گلبن افکند عکس آفتاب غنچه‌ها آرد برون با آب و تاب

(همان)

و در ادامه‌ی همین ابیات، شوره‌زار و کثیفی را تمثیلی از انسان‌های دارای عدم استعداد بازدهی مثبت و انعکاس خوب از برداشت قرآن دانسته که اگر خورشید قرآن بر آنها بتابد بازدهی منفی داشته و هیچ نتیجه‌ی مثبتی به جا نمی‌گذارند:

بر زمین شوره چون تابید هور می‌نبینی اندران جز خاک شور
بر کثیفی چون شود پرتوفکن پرتن گردد از آن صد انجمن
(همان)

ابیات بالا که با بیان تمثیلی جهت اقناع مخاطب نسبت به سخن شاعر ذکر شده‌اند عنصر سازنده‌ی همه‌ی آنها پدیده‌های طبیعت و برای مخاطب محسوس هستند.

واقع بینی و عدم شک و گمان

در بیت زیر آینه به عنوان تمثیلی از انسان واقعیت‌بین و زنگ تمثیلی از شک و گمان و اوهام به تصویر کشیده شده‌اند و همانطور که برای آنکه آینه حقیقت را به نمایش بگذارد باید از گردو غبار پاک گردد، انسان واقع بین نیز برای درک حقیقت باید شک و تردید و وهم و گمان را از خود دور سازد:

پاک سازد آینه خاطر ز زنگ تا حقیقت رخ نماید بیدرنگ
(همان: ۱۱۳)

عناصر سازنده در بکارگیری تمثیل فوق، ابزار و آلات بوده که برای مخاطب قابل درک و محسوس می‌باشد و شاعر به خوبی با به تصویر کشیدن این تمثیل مخاطب را قانع می‌گرداند.

در بیتی دیگر غنجموش یا همان خوک و وزغ را تمثیلی از وهم و گمان و تنگ‌لوش (کتاب لوقای حکیم) را تمثیلی تلمیحی از حقیقت و راستی می‌داند که اگر این وهم و گمان غنجموش به عنوان راهنما باشد هیچ گاه به تنگ‌لوش حقیقت دست پیدا نخواهیم کرد.

چون ترا استاد باشد غنجموش^۱ کی توان یافت سر تنگ‌لوش^۲
(همان)

^۱- وزغ و غوک

^۲- نام کتاب لوقای حکیم رومی که صنایع و بدایع آن مانند صنایع و بدایع ارزنگ کتاب مانی نقاش معروف می‌باشد.

وبکارگیری این تمثیل‌ها جهت تثبیت و راضی کردن شاعر در ذهن مخاطب بوده که با عناصر حیوانات و تلمیح ایجاد شده است.

سعی و تلاش انبیا جهت ارشاد است نه از برای زاد و توشه

در بیت زیر معلم و استاد تمثیلی از پیامبران هستند که هدفشان از ابجد خوانی ارشاد و راهنمایی شاگردان است نه اینکه خودشان بخواهند چیزی را یاد بگیرند و اندوخته کنند همانطور که هدف از تلاش پیامبران، جهت ارشاد و راهنمایی خلق است نه اینکه بخواهند چیزی برای خودشان کسب کنند. گرچه ابجد ورد سازد اوستاد ورد وردان^۱ باشدش لیکن مراد

(همان: ۱۲۶)

و باز تمثیل زیر را ایجاد می‌کند و مرغ را تمثیل از انبیا و کریشک (جوجه) را تمثیلی از مردمان ذکر می‌کند که هدفش از نوک زدن بر زمین جهت آموزش و راهنمایی جوجه‌هایش می‌باشد تا همچنان بیان کند که هدف انبیا از کار و تلاش، ارشاد و راهنمایی است نه چیز دیگر. مرغ در پیش کریشک^۲ بر زمین نوک زد یعنی از اینسان دانه‌چین

(همان)

در شاعر از زبان مرد عارف علت بیان تلاش انبیا را ارشاد و راهنمایی خلق دانسته نه جهت حصول زاد و توشه ابیات بالا از تتمه حکایت مرد عارف و زن خود، جهت اقناع مخاطب برگزیده شده‌اند و شاعر این تمثیل‌هایی زیبا و روشن را با عناصر اتفاقات روزمره‌ی زندگی و حیوانات، ذکر می‌کند و تصویرسازی بسیار روشن و واضحی را به نمایش می‌گذارد.

^۱ - شاگردان و مریدان

^۲ - جوجه مرغ

ندیدن چشم ظاهرین مردان و عارفان حق را

در بیت زیر خفاش تمثیلی از انسان‌های ظاهرین و آفتاب تمثیلی از مردان و عارفان حق می‌باشد. شاعر در این بیت با بکارگیری این تمثیل‌ها مخاطب را خرسند می‌کند تا بپذیرد که چشم ظاهرین نمی‌تواند عارفان حق را بشناسد:

پدیده‌ی خفاش کی دید آفتاب زین سبب شد چون عسس شب‌باشتاب

(همان: ۱۳۲)

عناصر سازنده‌ی تمثیل در بیت بالا پرندگان و پدیده‌های طبیعت هستند که برای مخاطب کاملاً ملموس و محسوس هستند.

آشکارا شدن عیب و هنر مرد با سخن گفتن (پنهان بودن مرد زیر سخن)

این موضوع که تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد (سعدی، ۱۳۸۵: ۹۶) مورد تایید همگان قرار گرفته است و در بیت زیر نراقی هم به این موضوع اشاره کرده است و با استفاده از بکارگیری تمثیل این موضوع را برای مخاطبش قابل درک و مورد پذیرش قرار داده است. در این بیت سبب تمثیلی از وجود انسان و تراوش آب را تمثیلی از سخنان انسان دانسته است که همانطور که تراوش آب از کوزه به ما نشان می‌دهد که درون کوزه چه می‌باشد انسان نیز با حرف زدنی‌اش ماهیت وجودی خود را به عرضه می‌گذارد:

گفته‌های او گواه عیب اوست از تراوش فهمی آب اندر سبوست

(نراقی، ۱۳۶۲: ۱۳۹)

در بیت بالا شاعر تمثیلی کاملاً محسوس را با عناصر پدیده‌های طبیعت ایجاد کرده است.

در بیت زیر آب شیرین چشمه تمثیلی از انسان‌های هنرمند و خوش‌اخلاق و نهر و جوی تمثیل از سخن دانسته شده است و شاعر بر این باور است که انسان اگر هنرمند و خوش ذات باشد خوب و شیرین صحبت می‌کند همانگونه که اگر آب چشمه شیرین باشد آب نهر هم شیرین است:

آب چشمه چونکه عذیبت و فرات باشد آب نهر را شهد و نبات

(همان: ۱۴۱)

و در بیت زیر آب تلخ و شور چشمه تمثیل از انسان‌های بداخلاق و بی‌هنر و آب تلخ نهر تمثیل از سخنان ناگوار است. و شاعر می‌گوید همانطور که اگر آب چشمه تلخ و شور باشد بدون شک آب نهر هم تلخ و ناگوار خواهد بود انسان اگر وجود بی‌هنر و بداخلاق داشته باشد بدون شک سخنانی تلخ و گزنده نیز خواهد داشت. و این زبان است که حقیقت وجودی انسان را برملا می‌سازد:

آب چشمه چونکه باشد تلخ و شور عذب و شیرین کی بود آب نهور
(همان)

تمثیل اشعار بالا جهت صحت قول شاعر برای اینکه مخاطبش بپذیرد حقیقت وجودی انسان با کلامش مشخص می‌شود بسیار محسوس و با عناصر پدیده‌های طبیعت، به تصویر کشیده شده است.

عدم درک خداوند

در بیت زیر نور تمثیلی از حقیقت وجودی خداوند است و کوری و تاریکی نیز تمثیلی از درک انسان برای شناخت خداوند است. در این تمثیل شاعر به مخاطب می‌گوید خداوند غیر قابل درک می‌باشد و جهت اثبات حرفش برای راضی کردن مخاطب وجود خداوند را همچون نوری دانسته است که انسان را نیز کوری مادرزاد تلقی کرده است که هیچ درکی از نور و روشنایی ندارد.

آنکه کور از مام زاید ای همام کی تواند یافتن نور از ظلام

(همان: ۱۴۳)

نراقی بیت تمثیلی بالا را با عناصر اتفاقات زندگی، جهت روشن شدن کامل مطلب خود بیان می‌کند تا مخاطب سخنش را بپذیرد و با اینکار بر پرورش معانی کلامش بیفزاید.

عدم تحمل شکوه و عظمت نام اعظم

در بیت زیر که از داستان میرفندرسکی و کفار روم و زنگ، برگزیده شده است شاعر در مصراع اول فیل را تمثیلی از نام اعظم خداوند و پشه را هر موجود و پدیده‌ای در جهان می‌داند و در مصراع دوم مور تمثیل از پدیده‌های خلقت و کوه تمثیل از نام اعظم خداوند می‌داند و عقیده و باور او براین است

که نام اعظم حق از چنان شکوه و عظمتی برخوردار است که هیچ کس توانایی تحمل آن را ندارد و همگی در زیر بار باشکوه نام اعظم خداوند کمر خم می‌کنند. و در ادامه جهت تأیید سخن خود در ذهن مخاطب از تمثیل زیر با عنصر سازنده‌ی حیوانات و حشرات استفاده می‌کند:

کی شود بر پشه‌ای پیلی سوار کی توان کردن به موری کوه بار

(همان: ۱۹۶)

چون بتابد خاک و چوب ای نیکبخت نزد کوه و شعله‌ی طوفان سخت

(همان: ۱۹۷)

بی‌ارزشی هر مکان و جایگاهی بدون ذکر نام حق

در بیت زیر خر تمثیلی از هر مکان بزرگی که نام حق در آن بیان نمی‌شود و گاه تمثیل از سخنان بی‌ارزش و بدون ذکر نام حق و در مصراع دوم نیز شتر تمثیلی از مکانی بزرگ و بار نگاه تمثیل از سخنان بیهوده و بدون ذکر نام حق است:

کی خری لنگیده از یک پر کاه کی شکسته اشتر از بار نگاه

(همان: ۱۹۸)

در داستان میرفندرسکی و کفار روم، کفار به میرفندرسکی می‌گویند که بیت‌الصنم آنها بعد از چندین سال هنوز پاربرجاست. میرفندرسکی به کفار می‌گوید اگر درب و دیوار مسجد آنها بعد از گذشت چندین هزارسال هنوز سالم است به خاطر این است که نام اعظم حق در آن بیان نشده است تا از شنیدن آن نام لرزه بر اندام ساختمان بیفتد و هیچ عبادتی در آن انجام نشده، هر چه بوده و بیان شده سخن بی‌معنی و بی‌مفهوم بوده است. و سپس جهت اقناع مخاطبش بیت بالا را بیان می‌کند و می‌گوید همانگونه که یک خر با یک پر کاه لنگان نمی‌شود بیت‌الصنم و شتر به خاطر بار نگاه که سبک و بی‌وزن و بی‌ارزش است هیچ گاه خسته نمی‌شود بیت‌الصنم شما نیز به دلیل آنکه فقط سخنان بیهوده و بی‌معنی در آن ذکر می‌شود بارسنگینی را متحمل نمی‌شود که ویران شود.

خاموشی و بیان نکردن حقایق

در بیت زیر کالاشناس تمثیل از افراد دارای درک حقایق الهی و متاع تمثیل از سخنان حق و دکان تمثیلی از دل و وجود داننده‌ی حقایق الهی است.

نیست چون کالاشناسی در میان این متاع ما نهان به در دکان

(همان: ۲۰۵)

شاعر خاموشی در مجلسی که سخنان او را درک نمی‌کنند بر سخن گفتن ترجیح می‌دهد و جهت آنکه مخاطبش را قانع سازد که فقط در جایی سخن حق را بگوید که اهل آن در آنجا وجود داشته باشند و از جان و دل خریدار آن باشند جهت پرورش معانی خود تمثیل فوق را با عنصر مشاغل و کارهای رومزه و پدیده‌های طبیعت، در ذهن مخاطب مجسم می‌سازد و به تصویر می‌کشاند.

بی‌تأثیری کلام حق بر انسان‌های بدون زمینه‌ی درک حقایق

در بیت زیر شاعر شوره‌زاران را تمثیلی از وجود انسان‌های بدون زمینه‌ی درک حقایق دانسته و تخم را تمثیلی از کلام حق و حقیقت بیان کرده است تا به مخاطب اطمینان دهد و او را راضی سازد که اگر انسان زمینه‌ی درک حقایق را نداشته باشد به هیچ وجه کلام حق و واقعیت بر او تأثیری نخواهد داشت همانگونه که زمین شور چون شرایط ایجاد محصول را ندارد اگر هرچقدر تخم در آن کاشته شود هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت:

تخم اگر در شوره‌زاران کاشتی بالله ار یک حبه زان برداشتی

(همان: ۲۴۷)

در تمثیل بالا، عناصر سازنده‌ی تمثیل پدیده‌های طبیعت و گیاهان هستند که برای مخاطب محسوس و ملموس می‌باشند.

شاعر در جای دیگر در داستان به آتش انداختن حضرت ابراهیم بیت زیر را با تمثیل‌های سنگ خارا و آب و آفتاب و انسان کور ایجاد کرده تا به مخاطب بگوید که آب و آفتاب تمثیل از کلام حق و سنگ خارا و کوری تمثیلی از انسان‌های کافر است و همانطور که آب در سنگ خارا نمی‌تواند رخنه پیدا کند و آفتاب نیز در چشم کور اثر نمی‌گذارد کلام حق نیز در انسان‌های کافر بی‌تأثیر است.

کی کند در سنگ خارا رخنه آب کی نماید ره به کوران آفتاب

(همان: ۳۱۷)

عناصر سازنده در تمثیل بالا پدیده‌های طبیعت هستند که برای مخاطب قابل درک می‌باشند.

زحمت و بلای زیاد جهت داشتن اختیار و بزرگی

در بیت زیر شاخ بالای درخت تمثیل از انسان دارای بزرگی و اختیار و سنگ تمثیل از سختی و بلا می‌باشد که شاعر با بکارگیری تمثیل زیر قصد دارد مخاطب را اقناع سازد تا بپذیرد که هر کسی که بزرگی و مقام بالا و اختیار بیشتری داشته باشد رنج و سختی بیشتری به او می‌رسد. همانگونه که اگر سنگی از آسمان پرتاب شود شاخه‌ایی که در بالاترین قسمت است دچار آسیب می‌شود:

گر فتد از آسمان سنگی درشت بشکند آن شاخ بالای نخست

چونکه شوهر از زن خود مهتر است از زنش هر لحظه صد دردسر است

(همان: ۳۱۱)

همنشین خوب و بد

در بیت زیر شاعر جهت بیان اینکه همنشینی با هر کسی تو را همانگونه می‌سازد تمثیلی‌های هیزم و آتش را به کار کشیده است تا برای مخاطب این موضوع را به تصویر بکشد و بگوید که هیزم که تمثیلی از روح انسان است اگر با آتش که تمثیلی از همنشینان بد و شیطان نفس است نزدیکی کند او نیز از زمره‌ی بدان می‌شود:

همچو آن هیزم که شد از قرب نار آتش سوزنده با دود و شرار

(همان: ۱۴۹)

در ابیات زیر گلشن و عطار تمثیل از انسان‌های خوب و گلخن تمثیل از انسان‌های بد است که شاعر آنها را بکار گرفته است تا به مخاطب نشان دهد هر کسی با هر همنشینی که باشد همانگونه می‌شود و الحق که به خوبی توانسته است مخاطب را اقناع سازد:

گر به گلشن بگذری گل آوری لاله و ریحان و سنبل آوری
ور به گلخن ساعتی منزل کنی روده و خاکستری حاصل کنی
گر به عطاران نشینی ای عمو جامه‌ات گردد معطر موبه مو

(همان: ۳۶۸)

در صفحات زیر نیز می‌توان شاهد تمثیل‌های اقناعی باشیم:

(صفحه ۳۸)؛ (صفحه ۸۸)؛ (صفحه ۱۰۵)؛ (صفحه ۱۳۰)؛ (صفحه ۱۴۱)، (صفحه ۱۵۱)؛ (صفحه ۲۰۵)؛
(صفحه ۲۴۱)؛ (صفحه ۳۶۷)؛ (صفحه ۳۱۷)؛ (صفحه ۳۰۲)؛ (صفحه ۳۰۰) و...

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تمثیل‌های اقناعی در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی به نگارش درآمده است که با توجه به بررسی و تحلیل‌هایی که صورت گرفت نتایج زیر حاصل شد:

نراقی از شیوه‌ی تمثیل اقناعی در مثنوی خود به خوبی استفاده کرده است و در هر جایی که تشخیص داده است سخنش برای مخاطب قابل درک نبوده تمثیل‌هایی کوتاه بیان کرده است. موضوعاتی همچون عشق دوطرفه، عدم ورود شیطان به دل به یاد خداوند، دوری از وطن، عدم تحمل امتحان الهی، بازدهی انسان از درک قرآن، ندیدن چشم ظاهربین مردان و عارفان حق را، عدم درک خداوند متعال، خاموشی و بیان نکردن حقایق، خمنشین خوب و بد و... در مثنوی طاق‌دیس، با استفاده از روش تمثیل اقناعی برای مخاطب روشن‌سازی شده و شاعر با استفاده از این تمثیل‌های محسوس و ملموس، مخاطب را کاملاً اقناع و راضی کرده است. نراقی جهت ساخت تمثیل‌های اقناعی خود، عناصر متعددی را بکار گرفته است و بیشتر تمثیل‌های اقناعی‌اش را با عنصر سازنده‌ی پدیده‌های طبیعت ایجاد کرده است و سپس تمثیل‌های اقناعی با عنصر حیوانات و حشرات و اتفاقات روزمره‌ی زندگی و مشاغل نیز به خوبی در مثنوی طاق‌دیس بکار گرفته شده‌اند. تمثیل اقناعی با عنصر سازنده‌ی

تلمیحات، بسیار اندک و در حد یک مورد مشاهده شد و که این عناصر برای مخاطب بسیار محسوس و ملموس هستند. در نهایت می‌توان چنین گفت که نراقی تمثیل‌های اقناعی بسیار محسوس و ملموس خود را در وهله‌ی نخست جهت اقناع مخاطب و سپس پرورش معانی در مثنوی طاق‌دیس بکار گرفته است.

منابع و مأخذ

- اباذری، عبدالرحیم، نراقی، ملا مهدی (۱۳۸۰)، *منادی اخلاق*، تهران: امیرکبیر.
- اسداللهی، خدابخش، علی محمدی، زینب (۱۳۹۱)، *گلستان، منشأ تنوع و تحرک*، اردبیل: یاوریان ترکچی، فاطمه، (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاران*، کتاب ماه، شماره ۱۴۷.
- حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۷۹)، *در آسمان معرفت: تذکره‌ی اوحدی از عالمان ربانی*، گردآوری محمدبدیعی، چ پنجم، قم: تشیع.
- زمخسری، محمودبن عمر، ۱۹۸۲م، *اساس البلاغه*، به تحقیق الاستاذ عبدالرحیم محمود، بیروت: دارالمعرفه.
- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۸۵)، *گلستان*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: ققنوس.
- مزی‌نانی، محمدصادق. (۱۳۸۱)، *اندیشه‌های سیاسی محقق نراقی*، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- معلم حبیب‌آبادی. میرزا محمدعلی، (۱۳۵۲)، *مکارم الآثار فی احوال رجال دو قرن ۱۴ و ۱۳ هجری*، اصفهان: انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان وابسته به اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان، ج ۴.
- معین، محمد، (۱۳۷۹)، *فرهنگ فارسی*، چ پانزدهم، تهران: امیرکبیر، تمام مجلدات.
- نراقی، ملا احمد، (۱۳۶۲)، *مثنوی طاق‌دیس*، تهران: امیرکبیر.
- نراقی، حسن، (۱۳۷۹)، *کاشان در جنبش مشروطه‌ی ایران*، تهران: بی‌نا.
- هدایت، رضاقلی‌خوان. (۱۳۸۲)، *مجمع‌الفصحا*، به کوشش مظاهر مصفا، چ دوم، تهران: امیرکبیر.

References

- Abazari, Abdur Rahim, Naraghi, Molla Mahdi (2010), *Manadi-Akhlaq*, Tehran: Amir Kabir.
- Turkchi, Fatemeh, (1389), *Historians, Book of the Month*, No. 147.
- Asadollahi, Khodabakhsh, Alimohammadi, Zainab (2012), *Golestan, source of diversity and mobility*, Ardabil: Yavarian
- Hassanzadeh Amoli, Hassan, (1379), *In the Sky of Knowledge: Tazkire of Ohadi of Rabbinical Scholars*, compiled by Mohammad Badiei, 5th edition, Qom: Shi'i
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, 1982, *Asas al-Balagha*, researched by al-Estaa Abdul Rahim Mahmoud, Beirut: Dar al-Marafa.

- Saadi, Moslehuddin, (1385); Golestan, edited by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Phoenix.
- Mazinani, Mohammad Sadiq. (1381), Mohaghegh Naraghi's political thoughts, first edition, Qom: Majlis Khobergan Secretariat.
- moalem Habibabadi.Mirza Mohammad Ali, (1352), Makarem al-Athar Fi Akhwal Rizal in the 14th and 13th centuries of Hijri, Isfahan: Publications of Isfahan Public Libraries Association affiliated to the General Directorate of Culture and Art of Isfahan Province, vol.4.
- Moin, Mohammad, (1379), Farhang Farsi, 15th edition, Tehran: Amir Kabir, all volumes.
- Naraghi, Mullah Ahmad, (1362). Masnavi Taghdis, Tehran: Amir Kabir
- Naraghi, Hassan, (1379), Kashan in Iran's Constitutional Movement, first edition, Tehran: Bina.
- Hidayat, Reza Qolikhan. (1382), Majma al-Fasha, by the efforts of Mazahir Musfa, second edition, Tehran: Amir Kabir.

